

تحلیل جامعه شناختی فردگرایی در بین زنان و مردان و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: افراد ۳۰ سال به بالای شهر شیراز)

مهدی مسیحی^{۱*}، دکتر علیرضا کلدی^۲، دکتر محمدصادق مهدوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۶ صص: ۲۴۳-۲۵۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۶

چکیده

فردگرایی به عنوان یکی از مفاهیم دوران مدرنیته و با توجه به پیامدهای فراوان در جامعه امروزی، توجه محققین زیادی را به خود جلب کرده است. مطالعه حاضر نیز به بررسی مقایسه‌ای وضعیت فردگرایی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان و مردان پرداخته است. نظریه فردگرایی زیمل به عنوان چهارچوب نظری تحقیق مورد توجه قرار گرفته است جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۳۰ سال به بالای شهر شیراز اعم از زنان و مردان می باشد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۵ نفر با سطح خطای ۵ درصد تعیین شد. روش نمونه گیری در این تحقیق، طبقه ای چند مرحله‌ای بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. نتایج نشان داد که میزان فردگرایی ۶۱.۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد. همچنین ۲۲.۴ درصد فردگرایی پایین و ۱۶.۱ درصد نیز دارای فردگرایی بالا بوده اند. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان داد که تنها دو متغیر با فردگرایی رابطه آماری معناداری نداشته است. این دو متغیر، وضعیت تأهل و میزان درآمد است. دیگر متغیرها یعنی سن، اعتقادات مذهبی، جنسیت، مقطع تحصیلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با میزان فردگرایی ارتباط آماری معناداری مشاهده شد. در نتیجه فرضیات مربوط به وضعیت تأهل و درآمد رد شده و سایر فرضیات پژوهش، مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج حاصله نشان می دهد که با اطمینان ۹۹ درصد میزان فردگرایی بین زنان و مردان متفاوت می باشد.

واژه های کلیدی: فردگرایی، جنسیت، مقایسه، مدرنیته

^۱ دانشجوی دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

* نویسنده مسول مقاله: masihi_mehdi@yahoo.com

مقدمه

زمانی که در حوزه سیاست بیشتر تأمل می‌کنیم، شاهد مولفه‌های بسیار زیادی هستیم که با سیاست در تعامل قوی است به طوری که سیاست را نمی‌توان بدون این تأثیر و تأثرها در نظر آورد. در این بین از جمله اصطلاحاتی که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... با آن مواجه می‌شویم اصطلاح «فردگرایی» است. این اصطلاح در عرصه حقوق بشر نیز کاربرد فراوانی داشته و مشهور است که حقوق بشر مدرن، بر یک رویکرد فردگرایانه استوار است و به عنوان نمونه مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر تمامی حقوق مندرج در آن به فرد انسانی تعلق دارد. واژه «Individualism» (فردگرایی) از واژه لاتین «Individus» به معنای غیرقابل تجزیه و غیرقابل تقسیم اقتباس شده و به مفهوم «فردگرایی» و اصالت فرد به کار می‌رود. در این گرایش استقلال فرد نسبت به جمع، گروه و جامعه ترجیح داده می‌شود (Arastekho, 2002:219). لوکز معانی برای فردگرایی تشخیص داده است مانند احترام به ارزش انسانی، استقلال و آزادی عمل، حرمت امور شخصی، خودشکوفایی و... (Jahanian, 1999, 29)

در منطق فردگرایی، انسان‌ها جدا از یکدیگرند، چراکه هریک از آنها در پی برآوردن امیال و خواسته‌های خویشند، لذا دیگران را به مثابه اشیائی تلقی می‌کنند که اگر بر سر راهشان قرار نگیرند، خنثی هستند و گرنه یاور و یا مانع تحقق مقاصد و امیال فردی‌اند. حتی آزادی فرد نه به جهت رسیدن به هدف سیاسی متعالی‌تر، بلکه فی‌نفسه عالیترین هدف است و به معنای آزادی از تمام موانعی است که بر سر راه خواسته‌های فرد قرار می‌گیرد (Arbelaster, 1998:21-25).

در طول چند دهه، دگرگونی‌های بزرگی در جامعه ایران روی داده و جامعه‌ای متفاوت را شکل داده است. ابعاد این تغییر بسیار گسترده است و از ساختار روانی و آگاهی فردی گرفته تا ساختار نهادین جامعه را شامل می‌شود. رشد ارزش‌های فردگرایانه یکی از این تحولات شگرف است، به این معنا که فرد در دوره‌های زندگی، انتخاب خود را بیشتر بر اساس ترجیحات فردی، سلیقه‌ها و منافع فردی انجام می‌دهد. در جوامع فردگرا، "من" هدایت‌کننده رفتار افراد است. این در حالی است که اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تعهد به اهداف جمع تشکیل می‌دهد که این امر ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع دارد اما پدیده‌ای مانند فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی و بدبینی است (Mohseni Tabrizi. & Sedaghat Fard 2011:2). مسأله بودن فردگرایی در جامعه از آنجا ناشی می‌شود که فردگرایی عامل انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی است که اساساً مغلظت و توسعه اجتماعی (Rezaei et al, 2010:119). سنت‌های پیشین، بزرگ‌ترها و سایر مرجعیت‌های اجتماعی رفته رفته جای خود را به انتخاب‌های فردی داده‌اند. اگر فردگرایی را از زاویه پیوندهای اجتماعی تعریف کنیم، می‌توان گفت در فرهنگ‌ها یا جوامعی که فردگرایی، ارزش مسلط

است، فرد بیشتر به منافع خود و افرادی مانند اعضای خانواده می‌اندیشد که در شعاع محدود رابطه با آن‌ها قرار دارد، درحالی‌که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، فرد به منافع گروه‌های بزرگ‌تری که به آن تعلق دارد، حساس است. اگر شعاع اعتماد اجتماعی محدود باشد، انتظار می‌رود توجه به منافع خود و گروه‌های کوچک و خاص نسبت به جامعه بزرگ‌تر در مرتبه‌های نخست ترجیحات فرد قرار داشته باشد.

سیمای ارزشی جامعه از این نظر، تغییری جدی یافته است. نهادهای اجتماعی تحت تأثیر روند تغییر اولویت ارزشی دگرگونی عمده‌ای می‌یابند. نفوذ این ارزش‌ها در عرصه عمومی و خصوصی قابل درک و مشاهده است و دامنه آن به روابط عمومی و شخصی هم کشیده شده است (Goodarzi, 2016:84). در حال حاضر تمام ابزارها مانند فضاهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجازی، و چه فضاهایی که در حال حاضر به عنوان حقوق تعریف می‌شود افراد را به فردیت نزدیک می‌کند.

«فردگرایی» به عنوان یک مفهوم در مقابل جمع‌گرایی تعریف و توصیف می‌شود. جمع‌گرایی وضعیتی است که در آن ساختارهای جمعی مانند مذهب، خانواده، قومیت و آیین‌های جمعی و قومی سنت‌ها بطور کلی بر فرد استیلای تام و تمام دارند. به این معنا که فرد در کلیه کنش‌ها و رفتارهای خودش همواره تابع «ارزش‌های جمعی» یا جمع‌گرایانه و تحت سیطره نهادهای جمعی است. از این دیدگاه جمع‌گرایی این فرصت را به فرد نمی‌دهد که امیال خواسته‌ها و سلیقه‌ها و ذهنیت‌های خودش را تحقق ببخشد. عاملیت یا فردیت در این دیدگاه جایگاهی ندارد. چیزی که در جامعه جمع‌گرا اهمیت دارد این است که کلیه ارزش‌ها و باورها و میراث فرهنگی که در قالب سنت‌ها، رسوم و آیین‌های نهاد خانواده و دیگر ساختارهای جمعی تاریخی کلان شکل گرفته‌اند، باید استمرار پیدا کنند و فرد در خدمت بازتولید این نوع نهادها قرار می‌گیرد. اما فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی به این معناست که جامعه بر محور اصلی فرد و نه جامعه می‌چرخد و بر اهمیت فرد و استقلال و آزادی او در مقابل محیط جمعی تأکید دارد. در تأیید اظهارات فوق، آمارها نشان از روند رو به افزایش فردگرایی در ایران دارند. برای مثال در تحقیق هافستد که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی دیگر، کمی بیش از متوسط می‌باشد (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). فردگرایی عنصری مهم و اساسی در یک اجتماع است. این گونه به نظر می‌رسد که رشد فردگرایی، تمامی حوزه‌ها را نیز سایر نهادها مانند خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست و ... در امان نگذاشته و پیامدهای فردگرایی، تمامی جامعه را دربرگرفته باشد. لذا ضرورت علمی و کاربردی ایجاب می‌کند تا فرد گرایی را با توجه به تفاوت‌های جنسیتی مورد مطالعه علمی قرار داد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

- بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با فردگرایی در میان زنان و مردان شهر شیراز
- اهداف فرعی
- تعیین میزان فردگرایی شهروندان شهر شیراز
- تعیین ویژگی‌های زمینه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پاسخگویان در ارتباط با فردگرایی.

ادبیات تحقیق

خواجه نوری و همکاران (1392) رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان شهر شیراز را مورد مطالعه قرار داده‌اند. روش این تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه بود. در همین راستا، تعداد ۵۳۳ نفر از جوانان با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌های مستخرج از چهار مدل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی مجازی ۵۸ درصد از تغییرات متغیر فردگرایی عمودی و متغیرهای: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی بر روی هم ۸/۱۵ درصد از تغییرات متغیر فردگرایی افقی را تبیین کردند. برای متغیر جمع‌گرایی افقی نیز دو متغیر: سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد ظاهر) و سبک زندگی فراغتی - سنتی وارد معادله شده و ۵/۲ درصد از تغییرات فردگرایی افقی را تبیین کردند. دو متغیر سبک زندگی مذهبی - سنتی و سبک زندگی مجازی نیز به میزان ۳/۴۴ درصد متغیر جمع‌گرایی عمودی کل را تبیین کردند (Khajeh Noori et al, 2013).

افشانی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه میان جهانی شدن و فردگرایی جوانان شهر یزد پرداخته‌اند. ۳۸۴ نفر از جوانان یزدی با کمک پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین جنس و فردگرایی افقی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد در حالی که بین جنس و فردگرایی عمودی رابطه معناداری وجود ندارد. بین میزان تحصیلات و فردگرایی نیز رابطه‌ای وجود دارد. همچنین میان جهانی شدن و ابعاد آن با فردگرایی عمودی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و فردگرایی افقی تنها با جهانی شدن فرهنگی رابطه مثبت و معناداری را نشان می‌دهد (Afshani et al, 2014).

نیکوگفتار (۱۳۹۳) به بررسی رویکرد بین رشته‌ای به سلامت اجتماعی مطالعه نقش پیش بین فردگرایی - جمع‌گرایی پرداخته است. هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش پیش بین فردگرایی - جمع‌گرایی افقی و عمودی در سلامت اجتماعی دانشجویان است. در یک مطالعه توصیفی از نوع

همبستگی، ۳۰۰ دانشجو (شامل ۱۵۹ دختر و ۱۴۱ پسر) با میانگین سنی ۸۳/۲۸ و انحراف استاندارد ۸/۶ با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند و توسط پرسش نامه سلامت اجتماعی (کیزز و شاپیرو، ۲۰۰۴) و مقیاس فردگرایی - جمع گرایی (تریانیدیس و همکاران، ۱۹۸۸) مورد ارزیابی قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش های ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که جمع گرایی عمودی و فردگرایی افقی پیش بینی کننده سلامت اجتماعی است. دلالت های یافته ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت (Nikoo Goftar, 2014).

دنیل استورمز (۲۰۰۴) در مطالعه ای تحت عنوان فردگرایی ملکی، لیبرال و ریشه های نظریه سیاسی بین المللی با هدف شناخت ارتباط مدل مکفرسون به مطالعه سیاستهای بین المللی پرداخته است. فرضیه این مطالعه این است که نقد مکفرسون از هسته فردگرایی ملکی لیبرالیسم در سطح بین المللی به همان اندازه معتبر است که مفروضات نظریه های روابط بین الملل (IR) و اقتصاد سیاسی (IPE) در مورد نقش فرد، دولت و طبیعت انسان در شرایط فردگرایی می باشد. نتیجه تحقیق نشان می دهد که تئوری IR/IPE به دلیل تساوی مفروضات اصلی آن از گفتمان لیبرال و اثرات آن بر مفهوم سیاست بین المللی پرداخته است که این منجر به بحث در مورد کاربرد بالقوه مدل مکفرسون در پیشبرد یک برنامه تحقیقات انتقادی از مناطق دیگر لیبرال سرمایه داری شده است (Daniel, Storms, 2004).

کوانگ ایل یون (۲۰۱۰) در مطالعه ای تحت عنوان فرهنگ سیاسی فردگرایی و جمع گرایی با هدف شناخت اثرات فرهنگی فردگرایی و جمع گرایی بر نگرش سیاسی افراد و رفتار آنها در جهت رفع ابهام در سطح ملی پرداخته است. نتایج این تحقیق که بر پایه پنج امواج (۲۰۰۷-۱۹۸۱) از ارزشهای جهانی و سی کشور عضو OECD انجام گردیده نشان می دهد که فرهنگ مدنی به صورت قابل توجهی فردگرایی را تحت تاثیر اعتماد، تحمل عضویت و مشارکت سیاسی مثبت قرار می دهد. در مقابل فردگرایی بر غرور ملی و منابع سیاسی تاثیر منفی می گذارد در حالی که در جمع گرایی آنها تاثیر مثبت دارند. هر دو فرهنگ سیاسی فردگرایی و جمع گرایی سطح رفاه را تحت تاثیر قرار می دهند (Kwang-II, Yoon, 2010).

تحقیقات متعددی که در زمینه فردگرایی انجام شده است، هریک از زاویه ای این موضوع را مورد مطالعه قرار داده اند. با توجه به نتایج مفید این تحقیقات، اما هنوز متغیرهای متعددی وجود دارند که مورد مطالعه محققین قرار نگرفته اند. از جمله این متغیرها، رسانه های ارتباط جمعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی می باشد. با توجه به مرور پژوهشهای پیشین، دو متغیر مذکور در مطالعه حاضر مورد سنجش قرار گرفته است.

مباحث نظری تحقیق

یکی از بزرگترین منادیان فردگرایی در مغرب زمین را جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۲)، فیلسوف و اقتصاددان نامدار انگلیسی می‌دانند. این فردگرای طراز اول، معتقد بود که افراد انسانی، هنگامی که گرد هم می‌آیند، به ماده تازه‌ای مبدل نمی‌شوند؛ تا صورت جدیدی بر آن افزوده گردد و چیزی نوین، به نام جامعه، که آثار مخصوص داشته باشد، از آن پدید آید (Ahmadi, 1994:46). او در یکی از کتاب‌های خود، "نظام منطق" می‌نویسد: موجودات انسانی در جامعه، هیچ صفت و خاصیت دیگری ندارند؛ جز آنهایی که از قوانین طبیعت فرد آدمی ناشی می‌شوند و یا ممکن است در آنها ادغام شوند (Roskach & Warren, 1976:64).

زیمل؛ در عرصه جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی تا به امروز از تحلیل گئورک زیمل، از فردگرایی در شرایط اقتصاد پولی و سرمایه‌داری، نمی‌توان صرف نظر کرد. به نظر زیمل، تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد را از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی، نشان می‌دهد، ضمن آن که فرآورده‌های فرهنگی ساخته انسان، بیش از پیش برانسان چیرگی می‌یابند. او معتقد است، تجمع‌های جوامع پیشین، تخصیص کارکردی پیدا نکرده بودند؛ بلکه فرد را از طریق وابستگی‌های تمایز نیافته، به جامعه پیوند می‌زدند. وانگهی، تمام شخصیت فرد، تحت تسلط اربابان بود. اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین، تفاوت بنیادی دارد. یک فرد، عضو بسیاری از حلقه‌های به خوبی مشخص است؛ اما هیچ‌یک از این حلقه‌ها، تمام شخصیت او را دربر نمی‌گیرند و بر او نظارت تام ندارند و این از نشانه‌های تحوّل فرهنگی است. وابستگی چندگانه به انواع حلقه‌های اجتماعی، به خودآگاهی بیشتر می‌انجامد. همین که فرد، از چیرگی حلقه کوچکی که شخصیتش را در چهارچوب محدوده‌هایش اسیر می‌سازد، رهایی می‌یابد، از یک نوع ادراک رهایی، آگاه می‌شود. وجود شبکه حلقه‌های اجتماعی، پیش شرط پیدایش فردگرایی است. از این رهگذر، نه تنها انسان‌ها نسبت به یکدیگر ناهمانند می‌شوند؛ بلکه فرصت آن را می‌یابند، که در زمینه‌های اجتماعی گوناگون بدون زحمت حرکت کنند (Cooser, 2004: 263).

زیمل برای روشن کردن تقابل فردیت با جنبه‌های اجتماعی، از دو اصطلاح فردیت کمی و فردیت کیفی بهره برده است. به نظر او، فردیت کمی از قرن ۱۸ باقی مانده است و طبق آن هر فرد، پذیرا یا منکر مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است، که گروه ساخته و او اعتبارش را از آن پذیرش و انکار بدست می‌آورد. فردیت کیفی در نیمه‌های قرن ۱۹ به وجود آمد؛ که در آن فرد، فراتر از نقشی که در گروه دارد، یکه انگاشته می‌شود. اهمیت او "برای خود" است. کسی که نمی‌توان به جای او کس دیگری را قرار داد. می‌توان گفت که نسبت فرد، با جمع، در شکل ایستایش، به فردیت کمی مرتبط می‌شود و در شکل پویا، به فردیت کیفی وابسته است (Ahmadi, 1994:46). اولریش بک؛

نظریه دیگری که جدیدتر و دارای اهمیتی ویژه در عرصه نظریه‌های فردگرایی است، نظریه اولریش بک درباره روند فردی شدن جایگاه اجتماعی افراد، زندگی‌نامه‌ها و در نتیجه بی‌استاندارد شدن طبقات و اقشار اجتماعی است. آلبرت شر؛ نظریه فردگرایی را می‌توان با استناد به آلبرت شر، به صورت زیر طبقه بندی کرد:

- نظریه مبتنی بر فرهنگ؛ بر اساس این نظریه، تدوین معانی واحد و مفهومی فراگیر و کلی، برای تشریح تمایزات و گوناگونی اجتماعی، هرروز دشوارتر می‌شود. گرایش عمومی در جهت پیدایش افراد به صورت موجوداتی منفرد، با مسئولیت شخصی است. این افراد منفرد هستند، که زندگی خود را تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌بخشند؛

- نظریه مبتنی بر ذهن؛ کنش و تجربه فردی هرکسی، کمتر تحت تأثیر عواملی چون وابستگی‌های طبقاتی، قشری و مقررات کلی قرار می‌گیرند (Schaffer, 2005:129).

در چارچوب نظریه فردگرایی، به وجوه فردی، همچون پرسش درباره روند اجتماع‌پذیری، درباره منابعی که فرد در اختیار دارد و درباره امکان‌های گزینش که در اختیار اوست، کمتر توجه شده است. آزادی فردی، در تاریخ و زندگی اروپا مقوله‌ای با اهمیت است. اما تحولات اخیر، روند آزادی فردی را به کانال‌هایی هدایت کرده است، که می‌توانند به مفهوم دیالکتیکی به عکس خود تحول یابند. آزادی فردی، به آزادی مطلق در حیطة ویژه تحول یافته است؛ که فرد به عنوان فضای آزاد در اختیار دارد. آزادی مطلق در فضای آزاد فردی می‌تواند، محدودکننده آزادی فرد در کل جامعه باشد؛ چون این آزادی به مفهوم سنتی آن تلقی نمی‌شود. از این‌رو، گسترش آزادی به مفهوم فردگرایانه آن، یعنی گسترش " فضای آزاد " فردی، می‌تواند با سلب اعتماد همراه باشد (Schaffer, 2005:130). چارچوب نظری مطالعه حاضر، نظریه جورج زیمل می‌باشد.

فرضیات پژوهش

به نظر می‌رسد:

- میان سن با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- میان جنسیت با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- میان میزان تحصیلات با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- میان وضعیت تأهل با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- میان میزان درآمد خانواده با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- میان میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود

دارد.

- میان دینداری با فردگرایی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه کمی و تکنیک پیمایش می‌باشد. در این مطالعه جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۳۰ سال به بالای شهر شیراز اعم از زنان و مردان می‌باشد. کل جامعه آماری ۷۰۱۹۹۴ نفر (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰) هستند. با توجه به این جامعه آماری، حجم نمونه تعیین شده است. حجم نمونه در این مطالعه، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۵ نفر با سطح خطای ۵ درصد تعیین شد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. ابتدا به طور تصادفی چند خیابان از تمامی مناطق ده‌گانه شهرداری انتخاب شده و سپس به صورت تصادفی چند محله و سپس چند کوچه انتخاب می‌شود و در نهایت از خانه‌ها به صورت توصیفی‌گزینه‌ای انجام گرفته است. لازم به ذکر است که حجم نمونه متناسب با حجم جمعیت هر منطقه در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که در ابتدا به صورت نمونه تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط پاسخگویان تکمیل شده و پس از کسب اعتبار مطلوب و مورد قبول، فرایند پرسشگری، تکمیل پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات انجام شده است. پس از تکمیل پرسشنامه و گردآوری داده‌ها، کدگذاری انجام شده و به تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS پرداخته شده است. اعتبار مورد استفاده در این مطالعه اعتبار صوری است برای پایایی درونی (ثبات درونی) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی آلفا برای کل طیف ۱/۸۴ درصد بدست آمد که حاکی از پایایی درونی بالای آن می‌باشد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

سن: یکی از ویژگی‌های اصلی ساخت و ترکیب جمعیت است و آن تعداد سال‌ها و ماه‌ها و روزهای (در مورد نوزادان) است که از عمر (روز تولد) یک فرد می‌گذرد (تعریف مفهومی) و منظور افراد ۳۰ سال به بالا در این تحقیق (تعریف عملیاتی).

جنسیت: جنس تفاوت بیولوژیک میان زن و مرد است و جنسیت ویژگی‌های شخصی و روانی‌ست که جامعه آن را تعریف می‌کند و بر مبنای این ویژگی‌ها سایر متغیرهای اجتماعی تعریف می‌شوند (تعریف مفهومی) و منظور زن یا مرد بودن افراد در این تحقیق (تعریف عملیاتی).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: بر اساس درآمد ماهیانه، شغل و میزان تحصیلات سنجیده شده و به سه طبقه پایین، متوسط و بالا طبقه بندی شده‌اند.

میزان تحصیلات: در این تحقیق در چهار طبقه بیسواد و ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، فوق دیپلم و لیسانس، فوق لیسانس و دکترا طبقه بندی شده‌اند.

فردگرایی (متغیر وابسته): در این گرایش استقلال فرد نسبت به جمع، گروه و جامعه ترجیح داده می‌شود و احترام به ارزش انسانی، استقلال و آزادی عمل، حرمت امور شخصی، خودشکوفایی و ... به عنوان معانی فردگرایی در نظر گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر سن و فردگرایی

نام متغیر	همبستگی	ضریب همبستگی	مقدار افزوده شده به همبستگی	خطای معیار	ضریب تاثیر غیر استاندارد	ضریب تاثیر استاندارد	T	F	سطح معنی داری
سن	۰.۱۱۹	۰.۰۱۴	۰/۰۱۲	۹.۷۸	-۰.۱۲۱	-۰.۱۱۹	-۲.۳۴	۵.۵۱	۰.۰۱۹

در جدول شماره ۱، به منظور بررسی رابطه بین سن و فردگرایی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ضعیفی ($R = ۰.۱۱۹$) بین سن و فردگرایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰.۰۱۴$ نشان می‌دهد که متغیر سن توانسته است، تنها ۱.۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. ضریب $B = -۰.۱۲۱$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (سن)، ۰.۱۲۱ واحد از متغیر وابسته (فردگرایی)، کاسته می‌شود. به این معنا که هر چه سن افزایش می‌یابد فرد جمع‌گراتر شده است. با توجه به مقادیر $T = -۲.۳۴$ ، $F = ۵.۵۱۷$ و $Sig = ۰.۰۱۹$ ، رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

جدول شماره ۲- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر اعتقادات مذهبی و فردگرایی

نام متغیر	همبستگی	ضریب همبستگی	مقدار افزوده شده به همبستگی	خطای معیار	ضریب تاثیر غیر استاندارد	ضریب تاثیر استاندارد	T	F	سطح معنی داری
اعتقادات مذهبی	۰.۲۳۶	۰.۰۵۶	۰.۰۵۳	۹.۵۷	-۰.۳۱۷	-۰.۱۳۶	-۴.۷۵	۲۲.۶۲	۰.۰۰۰

در جدول شماره ۲، به منظور بررسی رابطه بین اعتقادات مذهبی و فردگرایی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی متوسطی ($R = 0.236$) بین اعتقادات مذهبی فرد و فردگرایی وجود دارد. مقدار $R^2 = 0.056$ نشان می‌دهد که متغیر اعتقادات مذهبی توانسته است، ۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. ضریب $B = -0.317$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اعتقادات مذهبی)، ۰.۳۱ واحد از متغیر وابسته (فردگرایی)، کاسته می‌شود. به این معنا که هر چه اعتقادات مذهبی افزایش می‌یابد فرد جمع‌گراتر می‌شود. با توجه به مقادیر $T = -4.75$ ، $F = 22.62$ و $Sig = 0.000$ ، رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

جدول شماره ۳- آزمون تفاوت فردگرایی بر حسب جنسیت

متغیر	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
زن	۱۸۶	۴۵.۱۷	۱۰.۵	-۳.۶۹۹	۰.۰۰۰
مرد	۱۹۸	۴۸.۸۳	۸.۸		

جدول شماره ۳، نتایج میزان فردگرایی بر حسب جنسیت پاسخگویان را نشان می‌دهد. میزان میانگین‌ها نشان می‌دهد میانگین نمرات فردگرایی، در مردان بالاتر است، در نتیجه مردان نسبت به زنان فردگراتر می‌باشند. همچنین تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T با مقدار -3.699 و سطح معنی‌داری $Sig = 0.000$ بیانگر این است که با ۹۹ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری بین مردان و زنان از نظر فردگرایی وجود دارد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

جدول شماره ۴- آزمون تفاوت فردگرایی بر حسب وضعیت تاهل

متغیر	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
متاهل	۲۹۹	۴۶.۸۵	۱۰.۳	۰.۷۷۰	۰.۴۴۲
مجرد	۸۵	۴۷.۷۸	۷.۷		

جدول شماره ۴، نتایج فردگرایی بر حسب وضعیت تاهل پاسخگویان را نشان می‌دهد. میزان میانگین‌ها نشان می‌دهد میانگین نمرات فردگرایی افراد مجرد اندکی بالاتر است. اما تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T با مقدار 0.770 و سطح معنی‌داری $Sig = 0.442$ بیانگر این است که تفاوت معنی‌داری بین افراد متاهل و مجرد از نظر فردگرایی وجود ندارد، لذا فرضیه فوق تایید نمی‌شود.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت فردگرایی بر حسب مقطع تحصیلی

سطح معنی داری	DF	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر
۰.۰۰۰	۳۸۳	۱۳.۲۹	۱۰.۹۴	۴۳.۸۸	۴۳	بیسواد و ابتدایی
			۸.۵۰	۴۴.۱۵	۱۲۳	راهنمایی و دبیرستان
			۹.۸۴	۴۸.۳۸	۱۴۲	فوق دیپلم و لیسانس
			۹.۰۳	۵۲.۱۵	۶۶	فوق لیسانس و دکترا

جدول شماره ۵، نتایج بررسی تفاوت فردگرایی بر حسب مقطع تحصیلی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب می‌باشد که افرادی که در مقاطع تحصیلی بالاتری هستند، فردگرایی بالاتری نیز داشته‌اند. همچنین بر اساس آزمون F با مقدار ۱۳.۲۹ و سطح معنی-داری $Sig = 0.000$ ، این نتیجه حاصل می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین مقطع تحصیلی پاسخگویان از نظر فردگرایی وجود دارد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

جدول شماره ۶- آزمون تفاوت فردگرایی بر حسب درآمد ماهیانه خانواده

سطح معنی داری	DF	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر
۰.۱۲۲	۳۸۳	۱.۸۳	۹.۶	۴۸.۸۸	۷۹	۷۰۰ هزار و کمتر
			۸.۹	۴۶.۷۷	۱۳۱	۷۰۱-یک میلیون و سیصد هزار
			۱۱.۲	۴۴.۴۸	۵۴	۱۳۰۱ - دو میلیون
			۹.۴	۴۶.۶۶	۶۳	۲۰۰۱- سه میلیون
			۱۰.۵	۴۸.۰۸	۵۷	بیشتر از سه میلیون

جدول شماره ۶، نتایج بررسی تفاوت فردگرایی بر حسب درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب می‌باشد تفاوت چندانی بین میانگین نمرات فردگرایی گروه های درآمدی مختلف وجود ندارد. همچنین بر اساس آزمون F با مقدار ۱.۸۳ و سطح معنی‌داری $Sig = 0.122$ ، این نتیجه حاصل می‌شود که تفاوت معناداری بین درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان از نظر فردگرایی وجود ندارد، لذا فرضیه فوق تایید نمی‌شود.

جدول شماره ۷- آزمون تفاوت فردگرایی بر حسب میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی داری
خیلی کم	۵۴	۴۹.۶۶	۱۰.۵	۲.۵۰	۳۸۳	۰.۰۴۲
کم	۷۵	۴۸.۵۷	۱۰.۱			
متوسط	۱۳۱	۴۵.۵۱	۹.۴			
زیاد	۸۹	۴۶.۱۳	۹.۵			
خیلی زیاد	۳۵	۴۷.۹۴	۹.۶			

جدول شماره ۷، نتایج بررسی تفاوت فردگرایی بر حسب میزان استفاده پاسخگویان از رسانه های ارتباط جمعی را نشان می دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب می باشد که افرادی که استفاده پایین تری از رسانه های ارتباط جمعی داشته اند، فردگرایی بالاتری دارند. همچنین بر اساس آزمون F با مقدار ۲.۵۰ و سطح معنی داری $Sig = 0.042$ ، این نتیجه حاصل می شود که با ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی از نظر فردگرایی وجود دارد، لذا فرضیه فوق تایید می شود.

تحلیل رگرسیون چندگانه:

جدول شماره ۸- عناصر اصلی رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام از مرحله اول تا پنجم

برای پیش بینی متغیر وابسته (فردگرایی)

مرحله	نام متغیر	همبستگی	ضریب همبستگی	مقدار افزوده شده به ضریب همبستگی	خطای معیار
اول	تحصیلات	۰.۴۴۳	۰.۱۹۶	۰.۰۳۶	۸.۸
دوم	درآمد ماهیانه خانواده	۰.۴۶۳	۰.۲۱۵	۰.۰۱۹	۸.۷
سوم	اعتقادات مذهبی	۰.۴۸۱	۰.۲۳۱	۰.۰۱۶	۸.۶
چهارم	جنسیت	۰.۴۸۹	۰.۲۳۹	۰.۰۰۸	۸.۶

مقادیر R^2 برای متغیرهای مراحل یک تا چهار عبارتند از ۰.۱۹۶، ۰.۲۱۵، ۰.۲۳۱ و ۰.۲۳۹. این مقادیر نشان می دهد که با ورود هر متغیر به معادله رگرسیون در هر کدام از مراحل چند درصد از تغییرات متغیر وابسته تبیین شده است. مقادیر R^2 اضافه شده در مرحله ی دوم تا چهارم عبارت

است از: ۰.۰۳۶، ۰.۰۱۹، ۰.۰۱۶ و ۰.۰۰۸. این مقادیر نشان می دهد که با ورود هر یک از متغیرها در هر یک از مراحل شش گانه‌ی این معادله، چه مقدار به میزان R^2 اضافه شده است.

جدول شماره ۹- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی متغیر وابسته (فردگرایی)

نام متغیر	ضریب تاثیر غیر استاندارد	ضریب تاثیر استاندارد	مقدار T	سطح معنی داری
تحصیلات	۱.۸۴۸	۰.۱۶۹	۳.۵۴۴	۰.۰۰۰
درآمد ماهیانه خانواده	-۱.۱۰۸	-۰.۱۵۳	-۳.۲۳۵	۰.۰۰۱
اعتقادات مذهبی	-۰.۱۸۱	-۰.۱۳۵	-۲.۸۳۲	۰.۰۰۱
جنسیت	۱.۸۱۸	۰.۰۹۲	۱.۹۹۹	۰.۰۴۶

$$R^2=۰.۲۳۹ \quad R=۰.۴۸۹ \quad \text{Sig}=۰.۰۰۰ \quad F=۱۹.۷۵ \quad R^2.Ad=۰.۲۲۷ \quad a=۴۷.۹۷$$

با توجه به مقادیر ضریب رگرسیون در جدول شماره ۱۰، مشخص می شود که دو متغیر (درآمد ماهیانه خانواده و اعتقادات مذهبی) وارد شده به معادله در مراحل شش گانه با متغیر وابسته دارای رابطه‌ی معکوس می باشند، این رابطه به این معناست که هر چه درآمد ماهیانه خانواده و اعتقادات مذهبی افراد بالاتر باشد فردگرایی کاهش می یابد (جمع گراتر می شوند). همچنین دو متغیر، تحصیلات و جنسیت دارای رابطه مستقیم بوده است. این رابطه به این معناست که هر چه تحصیلات و جنسیت افراد بالاتر باشد فردگرایی افزایش می یابد. با توجه به اینکه زنان کد صفر و مردان کد یک داشته اند در نتیجه مردان فردگراتر هستند. مقادیر T و سطوح معناداری معادله چند متغیره نشان می دهد که متغیر تحصیلات با فاصله اطمینان $p < ۰.۰۰۰$ در سطح ۹۹ درصد، متغیر درآمد ماهیانه خانواده با فاصله اطمینان $p < ۰.۰۰۱$ در سطح ۹۹ درصد، متغیر اعتقادات مذهبی با فاصله اطمینان $p < ۰.۰۰۱$ در سطح ۹۹ درصد و متغیر جنسیت نیز با فاصله اطمینان $p < ۰.۰۴۶$ در سطح ۹۵ درصد معنی دار می باشند.

بحث و نتیجه گیری

فردگرایی، تولید فرهنگی غرب است. در مقایسه با قبل، در نظم جدید، روابط اجتماعی بیشتر مبتنی بر دستاوردهای فرد هستند تا انتسابات آنها و خود فرد در خور توجه بسیار است. این فردگرایی در بسیاری مواقع به نفع کلیت جامعه بوده و جامعه از آن سود خواهد برد (Ahmadi, 2004). اگر حقوق، نیازها و منافع فرد و آزادی‌های فردی در جامعه تأمین شود این امر خود به خود منتهی به تأمین منافع و مصالح اجتماعی می گردد. فلسفه فردگرایی، مالکیت خصوصی را شرط ضروری آزادی می داند و با دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مخالف است و دخالت

دولت را تنها در صورتی که به منظور تأمین آزادی عمل فرد انجام گیرد مجاز می‌شمارد (Aghabakshi and Ahmadi, 2004:311). به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، فردگرایی ویژگی جامعه در حال گذار از سنتی به صنعتی می‌باشد. با توجه به این ویژگی جامعه ایران، مفهوم فردگرایی و پژوهش در این زمینه، محقق را بر آن داشت تا این مفهوم را با توجه به متغیر جنسیت بررسی و مولفه‌های مرتبط با آن را شناسایی کند.

نتایج توصیفی نشان داد که ۴۸.۴ درصد از پاسخگویان، زن و ۵۱.۶ درصد مرد هستند. میانگین سنی در بین آنها، ۳۸،۴۴ سال است. همچنین اغلب پاسخگویان (۹۰،۷۷ درصد) متأهل بوده‌اند. و بیشترین فراوانی به گروه سنی ۴۰-۴۹ سال تعلق دارد. اکثریت پاسخگویان دارای مقطع تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند. اعتقادات مذهبی ۴۹.۵ درصد از پاسخگویان نیز در حد بالا گزارش شده است.

این مقاله به دنبال پاسخ به دو سوال بوده است: سوال اول اینکه جامعه آماری مورد مطالعه، از لحاظ فردگرایی در چه وضعیتی هستند؟ و سوال دیگر اینکه کدام یک از مولفه‌های اجتماعی - فرهنگی با فردگرایی در ارتباطند؟ در پاسخ به سوال اول، میزان فردگرایی پاسخگویان نشان می‌دهد که فردگرایی ۶۱.۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد. همچنین ۲۲.۴ درصد فردگرایی پایین و ۱۶.۱ درصد نیز فردگرایی‌شان در حد پایین بوده است.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش نیز، نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان داد که تنها دو متغیر با فردگرایی رابطه آماری معناداری نداشته است. این دو متغیر، وضعیت تأهل و میزان درآمد است. دیگر متغیرها یعنی سن، اعتقادات مذهبی، جنسیت، مقطع تحصیلی و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با میزان فردگرایی ارتباط آماری معناداری مشاهده شد. در نتیجه فرضیات مربوط به وضعیت تأهل و درآمد رد شده و سایر فرضیات پژوهش، مورد تأیید قرار گرفته است.

درباره رابطه جنسیت و فردگرایی، نتایج نشان داد که مردان از فردگرایی بالاتری برخوردارند. شاید بتوان این موضوع را به آنچه که زیمل و هابرماس می‌گویند ربط داد که شبکه روابط اجتماعی و تعدد نقش در زنان منجر به جمع‌گرایی بیشتر در میان آنها می‌شود.

در ارتباط با رابطه رسانه‌های ارتباط جمعی و فردگرایی می‌توان گفت که فناوریهای ارتباطی همواره مانند تیغ دولبه عمل می‌کنند. همان‌طور که موجب فاصله گرفتن از افراد دیگر در واقعیت شده، اشکال متفاوتی از ارتباطات را میان کنشگران انسانی ایجاد می‌کنند. اما نتیجه ملموس استفاده از فناوریهای ارتباطی مانند موبایل، اینترنت و ... این است که اوقات فراغت افراد را به صورت فردی پر کرده و در ایجاد یک خلوت مستقل و گوشه‌گیری افراد نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنان که در نتایج پژوهش حاضر مشاهده شد میان اعتقادات دینی و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد.

این در حالی است که بسیاری از ارزشهای دینی و مذهبی انسانها را به حضور در اجتماع، ارتباط گسترده با خویشاوندان و همسایگان، توجه و کمک به مشکلات دیگران، از خودگذشتگی و ایثار دعوت و تشویق می کند. دین اسلام یک دین جمع گراست. عمده مناسک دینی نیز به صورت جمعی توصیه شده است و به این شکل موجب کمرنگ تر شدن فردیت و فردگرایی خواهد شد. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که امروزه سبک زندگی مسلط به ویژه در کلانشهرها مانند شهر شیراز به سمت و سویی رفته که ابعاد فردگرایی افراد قوت گرفته و در نهایت روحیه جمع گرایی کمرنگ تر شده است. همچنین نتایج کلی نشان می دهد که مردان فردگراتر از زنان می باشند و اجرای برنامه های آموزشی در زمینه جمع گرایی ویژه زنان می تواند نتایج مفیدتری داشته باشد. با توجه به اینکه گرایش افراد جامعه در یک جبر زمانی به سمت فردگرایی سوق پیدا کرده نیاز می باشد برنامه های آموزشی در راستای فردگرایی مثبت از مقاطع تحصیلی ابتدایی اجرا گردند و این امر در خصوص مردان می تواند نسبت به زنان موثر تر و مفید تر باشد.

References

- Aghabakshi, A. Ahmadirad, M. (2004). Culture of Political Science. Tehran, Chapar Publishing.
- Ahmadi, B. (1994). Modernity and Critical Thoughts. Tehran, Center Publishing.
- Ahmadi, F. (2004). Individuality is the foundation stone of the Bicompny. Social Science Moon. The third period Seventh year, N 8.
- Afshani, A. Khorrampour, Y & Jahararchian, N. (2014). Investigating the Relationship between Globalization and Individualism among Yazd Youth. Social Science Journal of Shoushtar Azad University. Eighth year, No 26:3.
- Arastekho, M. (2002). Culture of scientific-social terms. Tehran, Chap pakhsh Publishing. First Edition.
- Arbelaster, A. (1998). Western liberalism emerges and falls. Tehran, Markaz Publishing. Third Edition.
- Azadeh, A. & Tavakoli, A. (2007). Individualism and collectivism and religiosity. Quarterly Iranian Cultural and Communication Studies Association. No. 3 (9): 101.
- Behrovan, H. & Alizadeh, A. (2007). Studying individuality and its effective factors among students. Medical Journal of Ferdowsi University of Mashhad. 26-1.
- Cooser, L. (2004). The Life and Thought of the Elders of Sociology. Mohsen, S. Tehran, Scientific Publishing.
- Daniel, Storms. (2004). possessive individualism and the dimestic liberal roots of international theory. University of Manitoba. Winnipeg. Manitoba.june2-6.
- Goodarzi, M. (2016). Perspective of Iran. No. 96, March 2002 and April 2006, pp. 84-86.
- Jahanian, N. (1999), Individualism and the Liberal-Capitalist System. Book Publishing. No.3: 29

- Khajeh Noori, B. Parnian, L. & Jafari, M. (2013). Study of the relationship between cultural globalization and individualism and youthfulness. *Applied Sociology*. Year 24. No 52:4.
- Kwang-II, Yoon. (2010). Political culture of individualism and collectivism. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy (political science) in the university of Michigan.
- Mohseni Tabrizi, A. & Sedaghat Fard, M. (2011). A Survey on Social Indifference in Iran. *Journal of Applied Sociology*, No. 3.
- Mojdefar, Saeed and Sabori Khosroshahi, Habib (2010). Individuality of children in the family. *Social Sciences Research*. forth year. No.4: 110 -94.
- Nikoo Goftar, M. (2014). An Interdisciplinary Approach to Social Health Study of the Role of Collegiate Individualism, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, Volume 6, Issue 2.
- Rezaei, A. Inaloo, Mina. & Fakri, Mohammad. (2010). Management of the body and its relation with social factors. *Journal of Strategic Women Studies*. Year 12. 47-141.
- Riesman, David. (1956). "The Lonely Crowd. study of the changing American character", with Nathan Glazer and Reuel Denney. Double day & Company INC. Gardencity. New York.
- Roskach, J. & Warren, R. (1976). *Introduction to Sociology*. Behrouz, N. & Ahmad, K. Tehran, Farvardin Library.
- Schaffer, B. (2005). *The Foundations of Youth Sociology*. Karamatullah, R. Tehran, Iran.